

خجسته باد

چهل و هشتمین سالگرد بنیانگذاری

حزب توده ایران

حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران !

از گزارش
میخاییل گارباچف
به پلنوم کمیته مرکزی حزب
کمونیست اتحاد شوروی

ص ۸

"قانونیت" حدیث گفته

یزدی، رئیس تازه به منصب رسیده قوه قضائیه، که پس از انتخاب به این مقام گاه گداری در نقش امام جمعه تهران نیز ظاهر می شود، بخشی از خطبه های نماز جمعه ۲۴ شهریور را به مستله "قانونیت" و ضرورت مراعات قوانین اختصاص داد. وی با اشاره به "امہیت قانون گرایی" در قوه قضائیه گفت: "تمام کسانی که در قوه قضائیه کشور کار می کنند و یا مستولیتی دارند، در هر رده که باشند، باید به قانون احترام پذیرانند و هیچ کس حق ندارد کاری را برخلاف قانون و قانونمندی انجام دهد. قانون را برای عدالت، نظم و حفظ حق تعلیم کرده اند..."

این برای اولین بار نبود که در جمهوری اسلامی از قانون و ضرورت اجرای آن سخن گفته می شد. مردم ما تا کنون بارها و بارها این قبیل سخنان را شنیده اند. ولی در عین حال، در عمل شاهد نقص ابتدایی ترین حقوق خویش و بی قانونی تمام عیار و لجام کسیخته حاکم بر کشور بوده اند. البته باید گفت که هدف یزدی از تکیه بر ضرورت اجرای قانون این بار تنها عوام فربیض نیست. او همچون دیگر نست اند رکاران رژیم "ولایت فقیه" می کوشد با

ادامه در ص ۷

ما و نهضت آزادی

ص ۶

نامه مردم

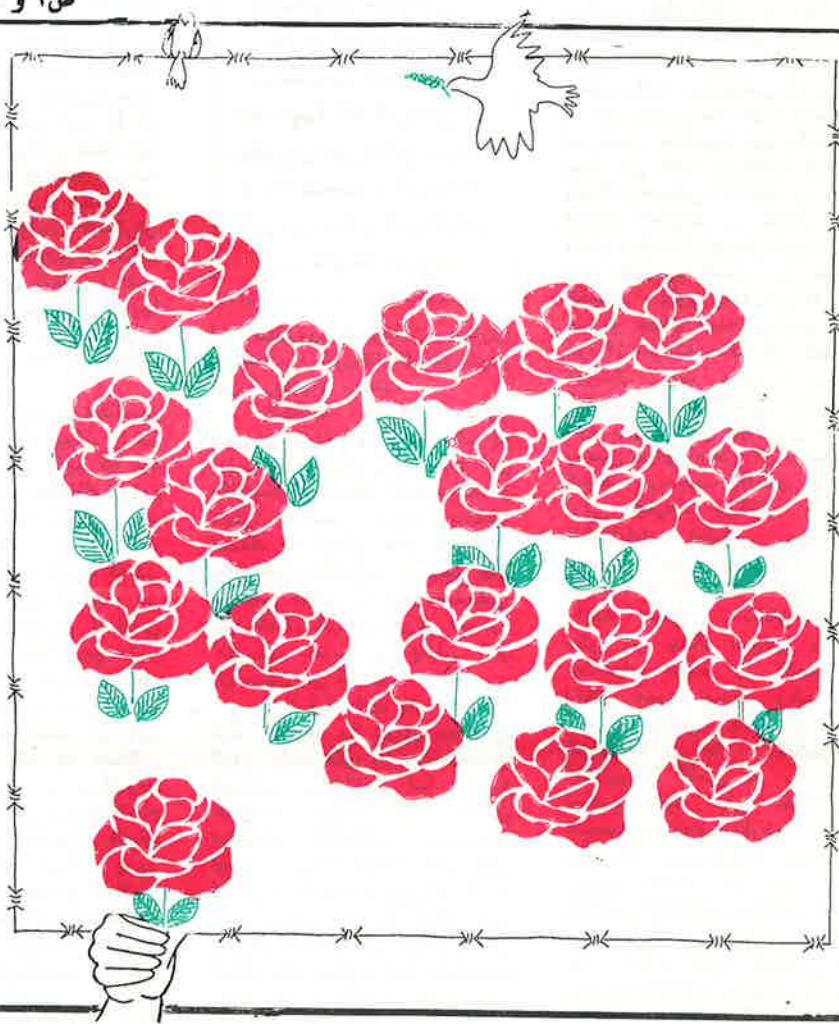
از کان مرکزی خرب توده ایران

شماره ۲۷۸، دوره هشتم،
سال ششم، ۴ مهر ۱۳۶۸
۲۰ ریال

اعلامیه، کمیته مرکزی حزب توده ایران

چهل و هشت سال پیکار در راه بهروزی مردم

ص ۲۰



ما را پر افتخار شهیدان توده ای را ادامه خواهیم داد!

اعلامیه
کمیته
مرکزی
حزب
توده
ایران

چهل و هشت سال پیکار

در راه بهروزی مردم

شکنجه سربه نیست کرد، اما سرانجام این نظام سلطنت استبدادی او بود که نابود شد. رژیم ارتباطی جمهوری اسلامی نیز که راه آزموده ای را درباره مس پیماید جز از هم فرد پاش استبداد قرون وسطانی مذهبی خود نتیجه بیکری خواهد گرفت. وندی که از هم اکنون بیکر آغاز شده است.

ای های متزلزل رژیم «لایت فقیه» را باز هم متزلزل تر ساخته است. ورشکست اقتصادی و مالی که حاصل شش سال ادامه بیهوده چنگ و سیاست غلط اقتصادی و اجتماعی رژیم است، مجموعه اقتصاد کشور را در استانه فروپاشی کامل قرار داده و بزرگترین خطری است که موجودیت رژیم را زیر علامت سوال می برد. ڈرای فقر و بی خانمانی و بیکاری کشور را به بشکه بازرسی مبدل ساخته است. اختناق قرون وسطانی جان مردم را به لب رسانده است. رژیم قادر برنامه عمل واقعی و موثری است که پاسخگوی نیازهای عاجل اقتصادی و اجتماعی کشور باشد. بن بستی که رژیم با آن روبروست خواه ناخواه در درون حاکمیت نیز بازتاب پیدا می کند. برخلاف ادعای وارثان خمینی، اختلاف بر سر قدرت شدیدتر و حادتر از زمان جیات او جریان دارد. این نیز طبیعی است. با مرگ خمینی، ناور بانفوذی که از هر دو جناح عدمیت میباشد کرد از صحته حذف شد. شیوه گزینش رهبر جدید با زیرپا گذاشت موارد قانون اساسی خود رژیم حتی پیش از همه پرس برای اصلاح آن و حذف شرط «مرجعیت بالفعل» برای ولی فقیه، برگزار کردن انتخابات تعییش رویاست جمهوری با حدف ۷۷ تن از کاندیداها به بهانه «کارگر و راننده» بودن و ... نشان داد که حتی در چنگ درونی میان جنابهای حاکم از تقوی و اخلال خبری نیست. رهبر و رئیس جمهور جدید، نخست کوشیدن با کنار زدن «تدروها» کامی در راستای تحکیم پایه های حاکمیت انحصاری خود برداشتند، اما با مقاومت سرخستانه حریقان روبرو شدند. در عین حال هنگامی که قاتلان شناخته شده فرزندان کرامی خلق در زندان ها، دادگاه های اسلامی و وزارت اطلاعات رژیم از تو به مقامات حساس اجرائی و قضایی برگمارده شدند، معلوم گردید که ارکان نظام جمهوری

* مبارزه توده / ایها
پیوسته بسیار سخت و
لشوار بوده است. ما
هیچگاه در راهی هموار
و بدون پیغ و خم پیش
نرفته ایم.

* در جریان فاجعه ملی
کشتار همگانی
زنگانیان سیاسی،
حزب توده ایران
بیشترین آسیب را
دید، چرا که گروهی از
بهترین فرزندان مبارز
و دانشمند و فرزانه
اش در میان قربانیان
این فاجعه بودند.

از بهترین فرزندان مبارز
دانشمند و فرزانه اش در میان
این قربانیان بودند.

شهادت صدها مبارز
قهرمان توده ای نشان داد که
حزب توده ایران زنده است. این
واقعیت که صدها انسان آگاه و
مبارز حاضر شدند بخاطر
اعتقاد به ارمان های حزب از
جان خود بگذرانند، در عین حال
پاسخی قاطع به تمام شهادت
بود که از فردای یورش درباره
تایپوی حزب و پایان کار
آن سخن من مکتفتند.

این نخستین بار نبود که
توده ای ها را برای مستحکم
کردن پایه های رژیم استبدادی
قربانی ساختند. اما تاریخ
همیشه مولید ناکام ماندن
اینکوتنه تشبیثات مذبوحانه
است. رضا شاه، دکتر تقی
ارانی، دانشمند بزرگ، را به
قتل رساند تا به خیال خود
جنیش کمونیستی ایران را در
نطه خفه سازد، اما نتوانست
مانع از پراکنده شدن بدر
اندیشه های او و یارانش و
پیوایش حزب توده ایران شود.
رژیم خود زدن، حزب توده
ایران بیشترین آسیب بوده
چونه های اعدام سپرد و زیر

فعالیت سیاسی حزب طی این
سالها تاثیری ڈرف و قاطع بر
جامعه ایران گذاشت. خدمات
حزب در زمینه بسیع میلیونها
انسان زحمتکش در مبارزه
برای احراق حقوق خریش،
روشنگری اجتماعی و ترویج
اندیشه های علمی و انتقلابی و
ارتفاع فرهنگ سیاسی جامعه و
مبارزه با خاطر اعتماد هم
نیروهای ملی و ترقیخواه
ترید ناپذیر است.

حزب توده ایران هموار

می کوشید تا از سکتاریسم و
دگماتیسم دور باشد و خط
مشی سیاسی خریش را در
انطباق با واقعیات مشخص
جامعه تنظیم کند. با این وجود
طبیعی است که در این با آن
مقطع هجاه اشتیاه و خطای نیز
شده باشد. پویژه آنکه شرایط
فعالیت تیمه علمی و مخفی، که
در بسیاری موارد گسترش
دیگر اسی درون هزین و امکان
تصمیم گیریهای جمعی و همه
جانبه را دشوار می کند، تقریباً
در تمام دوران فعالیت حزب،
جز چند سال، به او تحمیل
شده بود.

امسال ما چهل و هشتمن
سالگرد حزب توده ایران را در
حالی برگزار می کنیم که یک
سال از جنایت هولناک رژیم
مبارز حاضر شدند بخاطر
اعتقاد به ارمان های حزب از
جان خود بگذرانند، در عین حال
پاسخی قاطع به تمام شهادت
بود که از فردای یورش درباره
تایپوی حزب و پایان کار
آن سخن من مکتفتند.

اینکنک تزدیک به نیم سده
از بنیانگذاری حزب توده
ایران می گذرد. مبارزه توده
ای ها در درازای این سالها
پیوسته بسیار سخت و شوار
بوده است. ما هیچگاه در راهی
هموار و بسیغ و خم پیش
نرفته ایم. حزب توده ایران،
بیتابه و ازت حزب پر انتشار
کمونیست ایران، پای در پهنه
صدها انسان بیگانه که در
سیاهچالهای رژیم اسیر بودند و
پویژه با شیوه اعدام
بربرمنشانه و هد انسانی آنان
داغ نک ابدی تاریخ را بر
پیشانی خود زدن. حزب توده
ایران بیشترین آسیب را از
این جنایات دید، چرا که گروهی

از بنیانگذاری حزب توده
ایران می گذرد. مبارزه توده
ای ها در درازای این سالها
پیوسته بسیار سخت و شوار
بوده است. ما هیچگاه در راهی
هموار و بسیغ و خم پیش
نرفته ایم. حزب توده ایران،
بیتابه و ازت حزب پر انتشار
کمونیست ایران، پای در پهنه
صدها انسان بیگانه که در
سیاهچالهای رژیم اسیر بودند و
پویژه با شیوه اعدام
تغییر کرده بود و حزب می
باشد در اوضاع و احوال کاملاً
نوینی دنباله پیکار حزب
کمونیست ایران را بکیرد.
ولی علیرغم همه مشکلات،

ظیفون گام ها بر راه



درنگ تیر و
زخم‌خزم شمشیر است
جاداش بر کشیده چنگ
زند تا مهر باطل
بر طسم پیر پر نیرنگ.

کنونم:
حمله ای شبکیر
کسست و ریزش زنجیر
سدای یار
خروش کاره در پیکار

کنونم:
رزم رویارو
نفیر شیر
فرود تیغه شمشیر
شکست پیکری بر خاک
سدای ضجه ضحاکا!

پرتو آذرسرشت
تیرماه ۶۶

نشسته بر سرتبیگ کوه
ابرخون
کشیده راه تا هامون
زمین از خشم من لوزد
ها رنگ دگر دارد
خروش وعد و توفان است
درخش خنده های برق
بر شولای باران است
سدای سیل از جا کنده من آید
طنین تیرهای از کمان افکنده من آید.
زمانه کشته دیگرگون
دل از کین و عداوت خون
نفس از خشم توفنده
طنین گام ها بر راه
کوبنده
زمان در کار تدبیر است

کنونی جامعه ما، با توجه به ارایش نیروها و ساختار طبقاتی جامعه که محصول عملکرد ساختارهای گوناگون اقتصادی است، یک حزب و یا یک سازمان نمی تواند جایگزین رژیم فعلی شود. تا زمانی که این حقیقت ساده را نتوانیم درک کنیم، جامعه در سراسر سقوط پیش خواهد رفت و بیکمان مردم و تجدیده ما به حق احزاب و سازمان های سیاسی را مقصراً اصلی خواهند دانست. هر قدر که این اتعاد زودتر برقرار شود، هرقدر که مبارزه سراسری و پیکاره، در تمام عرصه های زندگی، زودتر اغاز گردد، همانقدر زودتر عمر این رژیم منحوس و نکبت بار که مستش بخون دهها هزار تن از زنان و مردان برومدن ایرانی الوده است به پایان خواهد رسید.

چهل و هشتادمین سالگرد بنیانگذاری حزب در شرایط دیگرگونی های مهم در عرصه جهان و بحث های گسترده در چنیش کارگری و کمونیستی برگزار می شود. تلاش برای درک همه جانبی تحولات جهانی و بحساب اوردن آنها در تنظیم خط مشی سیاسی هم چون گذشت وظیفه مهم حزب است. در عین حال باید تأکید گردد که حزب بر اصول و امتدادات بنیانگذاری خود همچنان پای می فشارد و تسلیم کسانی که می کوشند به بهانه تواندیشی و توسعه ای، حزب را از دونون مایه انقلابی تبعی کنند خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب تردد ایران چهل و هشتادمین سالگرد بنیانگذاری حزب را از صمیم قلب به همه رفقا تبریک می گوید. بدگذر در این روز تاریخی که با چشون مهرگان، یکی از بزرگترین چشون های باستانی ما ایرانیان، انتطاق دارد بار دیگر سوگند خود را تجدید کنیم: ما تردد ایها یاد تهرمانان تردد ای - قربانیان رژیم نکبت زای ولایت فقیه را همیشه گرامی خواهیم داشت و پیکاری را که آنان در راهش جان باختند، تا پیروزی مردم ایران، با شهامت و از خود گذشتگی ادامه خواهیم داد.

جاودان باد یاد تهرمانان تردد ای و همه قربانیان رژیم خد خلقی! برقرار باد جبهه آزادی و صلح! برای سرتکون کردن رژیم ولایت فقیه به پیش! زنده باد حزب تردد ایران!

کمیته مرکزی و ملی ایران
حزب تردد ایران

مهر ماه ۶۸

اسلامی پس از مرگ خمینی نیز همچنان بر گسترش تردد و خلقان و سرکوب هرگونه آزاداندیشی و دگراندیشی استوار است. اینکه همه از خود می پرسند چه باید گردد؟ برای این پرسش تنها یک پاسخ وجود دارد: مبارزه مشکل و متحد علیه رژیم متزلزل و لایت فقیه؛ رژیمی که هم زایینده فقر و گرسنگی و فساد گنوشی و هم مانع از پیشرفت عادی و منطقی جامعه است. برای پرون وقت از بن بست گنوش نیاز به یک تحول ڈرف در تاریخی دنده ای اقتصادی و اجتماعی کشور است. در دوران کامپیوتور و لیزر، در استفاده از سفرهای کیهانی و تکنولوژی امنیتی هسته ای نمی توان کشور را با سحر و جاده، استخاره و دعا و فقه سنتی یا پویا اداره کرد. جامعه کنونی ما نیاز به دانش های امروزین و تکنیک و تکنولوژی مدرن دارد که با سرعت حکومت تئوکراتیک در تضاد است.

هم میهنان هزیزا
نیروهای مترقبی
و انقلابیا

یک نظام نوین و دمکراتیک باید جایگزین رژیم ارجمندی کنونی گردد. این جایگاهی تنها با مبارزه پیکاره همه لایه ها و طبقات اجتماعی امکان پذیر است. اینکه یک سال پس از برقرار شدن اتش بس، هنوز حالت نه چنگ، نه صلح ادامه دارد و خلقان قرون وسطانی مانند زمان حیات خمینی بیداد می کند، حزب تردد ایران همچنان شعار آزادی و صلح را بعنوان محور اصلی اتحاد همه نیروهای سیاسی مترقبی و دمکراتیک و ملی و میهن دوست پیشنهاد می کند. در این راه ما تنها نیستیم. شماری از دیگر احزاب و سازمان های مترقبی و ملی نیز همین شعار را پیش می کشند. اکنون پرسش این است: نیروهای مختلف رژیم برای اغراض گفتگو میان خود منقطع چه هستند؟ زمان به سرعت می گذرد. تبود و هبری منسجم و پیکاره مردم را به انفعال می کشاند. روشن است که چنین وضعی بسود رژیم هد خلقی است. انتظار اینکه رژیم خود به خود ساقط گردد و یا نست غبی از آستین بدرآید خود فربی است. همه احزاب و سازمان های مترقبی و ملی اپرژیسیون باید یکبار برای همیشه دندان طمع به تنها الترتیبو بودن را بکشند. در اوضاع و احوال



باید آماده بود!

پادوارہ ریسٹورانٹ محمد علی شہبازی

زیانها می‌افتد و از پشت
بیوارهای زندانها به بیرون نیز
درز می‌کند و همان به دهان می‌
گیرد. او در «دانگاه» یا استواری
به دفاع از حزب و ایدئولوژی
خود پرداخت و به ۱۰ سال
زندان محکوم شد. او در سالهای
زندان تبدیل به یکی از نمونه
های روحیه شکست ناپذیر توده
ای شد، با شیوه برخورد
شجاعانه خود به رفقا و
همبندانش شجاعت منی
بخشید. از این‌تر، یکی از
آمیجهای داشت که توزی
زندان‌بانان بود. بارها او را زیر
شلاق و شکنجه کشاندند و
پیکر خام آگین و نیمه چانش را
به بیمارستان برداشتند. بارها او
را راهی سلولهای تنک و تاریک
انفرادی کردند، بارها او را از
هوای خوری و موهبت دیدار چند
دقیقه ای با همسر محبوب و
پسر دلبندش «ذرخش» محروم
ساختند، ولی با این وجود
هیچگاه نتوانستند گوهر
ایمانش را از او بربایند: او
هیچگاه از حزب و آرمانش
روبرنات است و سخنی جز
که روست کیته سوزانتر بدل
گرفتن از یشم و تشید
مبارزه نکفت. چله ای از این
روحیه قهرمانانه را در خاطره
یکی از همبندانش می‌توان
دید. او چنین نقل می‌کند:
«بعد از آنکه در تابستان

۶۱ ملاقاتها قطع گردید، ما حسنهای من کردیم اوضاع آیینت گرواد شومی است. از علی پرسیدم نظرش چیست و چه خواهد شد. او گفت که خمینی مجبور شده است یک کاسه زهر را سر یکشود بدون شک سعر خواهد کرد از این کاسه زهر مقداری هم به خورد ما بدهد

باید آماده بود.
وقوع فاجعه ملی کشتار
جمعی زندانیان سیاسی نه تنها
مهر تأشید بر پیش بینی علی
زد، بلکه، همه‌نین نشان داد که
علی از هر جهت خود را از پیش
آماده کرده بود: رفیق علی
شهبازی در زمرة نخستین گروه
از اعدام شدگان شهریور ماه بود
که سرورد خوان به دار اویخته
شد.

پاینده باد یادش،
پر هرو باد راهش!

به سازماندهی مردم برای سرتکوتوی نظام ستمشاھی و ایجاد هسته های مخفی حزبی در آن شهرستان پرداخت. پس از پیروزی انقلاب، نخستین شعره تلاش سازمانگرانه اش برپایی تشکیلات حزبی در نهادن بود. دیری تهائید که با گسترش فعالیت حزب در تهران، رفیق علی برای کار در شعبه تشکیلات فراخوانده شد. نهادن انتخاباتی را نیز کار

متوجه شد که ارتشی هستم. بعد از صحبت های معمولی، خیلی هوشیارانه بحث را به جوییات انقلابی درون ارتش کشاند و از رفیق خسرو روزبه یعنوان سهیل انقلابیون ارتشی یاد کرد و وظایف ارتشیان شرالتعهد را در آن موقع توضیح داد. از شجاعت او واقعه جا خوردۀ بودم.

در سال ۱۳۵۲، در ارتیاط

رفیق علی تا مدتی در یکی از مدارس جنوب تهران تدریس می کرد. او که فوق لیسانس ادبیات فارسی بود، گنجینه ای از شاعر در سینه داشت و در عین حال زبان توره ها را خوب می دانست، همچو اصطلاحات مفاهیم اجتماعی و انتقلابی را با بیان ساده، با خواندن اشعار حافظ و سعدی و مولانا و نقل اثرات حکایات و ضرب المثل ها برای شاگردان خود توضیح می داد. ولی پس از مدتی، به علت نیاز حزب، علیرغم علاقه و اصرار به کار آموزشی، نسبت از تدریس شست و به جمع کادرهای حزب پیوست. پس انکه شب و روز بشناسد، برای انعام

سب و رور بستن، پارهی از چشم
بهتر و ظایف حزبی خود از تمام
توان خود مایه می گذاشت. در
اواخر دوره فعالیت نیمه ملته
حزب، پیش از پورش نهادهای
سرکوبگر جمهوری اسلامی
رفیق علی در کتاب رفیق هدیر
مهرگان قرار گرفت. این
همکاری گویی به او نیرویی
مضاعف بخشید. بعد از پورش
۱۷ بهمن، در عمل رفیق مهرگان
با پاری بی دریغ علی بار اصلی
اداره امور تشکیلات را بر پوش
می کشید. کسانیکه در آن
روزها علی را دیده اند، می
دانند که او با چه روحیه عالی
با چه خونسردی و در عین حال
هشیاری تحسین برانگیزی با
انجام وظایف مشوار خوا
سرگرم بود.

در چریان پیوش کسترد
دوم جمهوری اسلامی، رفیق
علی ابتدا موفق شد از چنگ
پلیس بگیرید. ولی او که قرار
و آرام نمی شناخت، با احساس
مسئولیت عمیق حزبی، بر سر
قرارهای خود حاضر گردید
دویقا که در یکی از قرارهای
لورقه گرفتار شد.
از آن پس، یکسر روایات
شکنجه است و شلاق، و سرو
مقامت است و افرینش
حمسه. نام علی یعنوان یکی ا
قهرمانان شکنجه گاه بر س

زندان قصر یا او همیند بوده
اند، هیچگاه نمی توانند این
انسان پویا و پر تحرک را
فراموش کنند.

در پی اوج گیری چتبش
انقلابی علیه رؤیم شاه و بازشدن
در زندانها رفیق شهبازی نیز
از ایدی خود را بازیافت. او توهه
ای به میان توهه ها بازگشت.
از ایدی برای علی مفهموس جز
بسیع همه توش و توان لکری و
سازمانی برای تشید مبارزه
انقلابی نداشت. او بلاقابل
راهن نهادند، زادگاه خود، شد.

رفیق محمد علی شهبازی، توده‌ای دلار و قهرمان، یکی از خوشنام ترین زندانیان سیاهچالهای رژیم شاه. تینی و یک میهن دوست و انتراناسیونالیست پیگیر و پرشور بود که گل وجودش در چریان ناجمه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران پربر شد.

رفیق محمد علی شهبازی در سال ۱۳۷۷ در نهادن چشم به چهان گشود. علی پس از پایان دوره دبیرستان، در دانشسرای عالی تهران در رشته ادبیات فارسی سرگرم تحصیل می شود. او که در سالهای کودکی و نوجوانی با طعم تلغیت بیدارگیریهای اجتماعی و پاشتشها و نایاکی سرشتی جامعه سرمایه داری آشنا شده بود، رفته رفته انگیزه های نیرومندی برای مبارزه علیه رژیم مستشاهی پیدا می کند. در اوایل دوره دبیرستان و در اوان و رود به دانشسرای عالی با ارمان و مواضع حزب آشنا می شود و آنها و آبراترین سلاح برای ثابتی بسی عدالتی های اجتماعی که روح حساسش را از ازد می داد، می پاید.

رفیق علی با جدید و پیگیری به خودپروری و در عین حال روشنگری و تبلیغ نظریات انسانی خویش می پرداخت. کسانیکه به مجتمع و محاذل روشنگری سالهای اواخر دهه ۴۰ و اوائل دهه ۵۰ رفت و آمدی داشته اند خوب من دانند که اساسا در آن سالها، در فضای حاکم بر چنین چیز، دفاع از مواضع اصولی حزب، علاوه بر آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک، اصولیت، بربریاری، ظرفیت، بیگیری، متانت و شجاعتی خاص را طلب می کرد. رفیق علی بحق نمونه و نمادی از این خصوصیات اخلاقی و انتقالی بود. رفیق علی با زبانش که زبان بسی بند توده ها بود، از هر فرستنی برای تجسم مادی بشیدن به نظراتش استفاده می کرد. در این زمینه، خاطره رفیق شهید توده ای، دکتر سیف الله غیاثوند، از همشهری و همزمان خود بسیار گویاست:... تازه به ارتش پیوسته بودم. با اتوبوس از نهادن به تهران می آمد. تو اتوبوس علی کنارم نشسته بود. سر صحبت را با من باز کرد

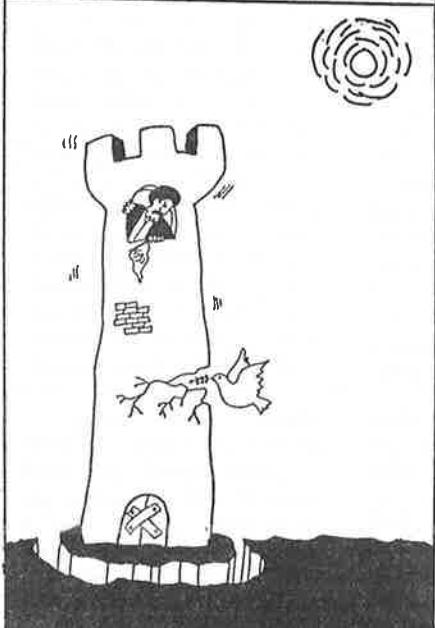
تعبد واقعی به قانون!

بیزدی رئیس قوه قضائیه در حکم انتصاب لاچوردی من نویسید: «با توجه به تعبد خاصی که در شما نسبت به رعایت و اطاعت از مقررات شرعی و قانونی سراغ دارم... چنانچه را به سرپرستی سازمان زندان‌ها... منصب من نمایم. (اطلاعات ۶/۸). ۶/۶».

حال برای ارزیابی میزان «تعبد» چنان لاچوردی به قانون نگاهی به سخنان هشت سال پیش وی می‌اندازیم: یکی از زندانیان از لاچوردی می‌پرسد: «آقای موسوی تبریزی در مصاحبه ای گفتند: هر فردی را که ما دستگیری می‌کنیم، در عرض ۲۴ ساعت تمهیم اتهام من کنیم. ولی ما در اینجا افرادی داریم که از یک ماه تا شش ماه هنوز یک بار هم به بازجویی نرفته اندو حتی نمی‌دانند اتهامشان چیست؟».

پاسخ لاچوردی: «تمهیم اتهام مسئلله‌ای است بسیار منطقی و باید هر کس که اتهامی به او بسته می‌شود و یا به زندان می‌افتد بداند اتهامش چیست. اما (!) همه شما می‌دانید که برای چه به زندان افتد!» (اطلاعات ۱۰/۲۹). ۱۳۶۰/۱۰/۲۹).

به این می‌گویند «تعبد واقعی به قانون»



هم می‌هنان!
رژیم را ناگزیر
به انتشار امامی
شهیدان خلق
و زندانیان سیاسی
کنید!

در انتصاب پرمعنی

(سلاح) تقاضا (من) گنند که برای یک کالا قیمتی تا چهل برابر بدهد و وقتی با تردید و درشت فروشنده که نگران بوده معامله پس از کشف موضوع در سطح قیمت اصلی هم انعام نشود، و پیرو می‌شوند، از موضع وزارت‌خانه ای که نام آن متراوف باشد شهیدان است، می‌گویند: نگران نباش اینها تمامشان احمدند و اینجا کسی نیست تا این موضوع را بفهمد... (کیهان - ۱۷/۷/۲۱).

غفاری در ادامه اضافه کرد: نوع دیگر خردی که اغلب خریدهای گران و تقلب ها جزو آن است خریدهای نقدی و فوری است. اینها به حد می‌گذارند بعضی از اقلام حیاتی و مورد نیاز تمام شده و امکان خریدهای آنچنانی در بازارهای مکاره فراهم گردند... و وقتی کالاهای مهم مثل نخ بخیه یا باند قهوه ای به اتمام رسید، با موقع هزاران متروک روی مستشان تازه به فکر خردی آنها می‌افتد... اگر این خبر در کنار گزارش هائی که از بیمارستانها می‌رسد، قرار گیرد تن انسان می‌لرزد، چون معلوم می‌گردد که این اقدام عدی یا سهی می‌توان در کشوری که افرادی چون بیزدی ری شهری، لاچوردی، شوشتری، فلاجیان... در راس ارگان‌های قضایی، دادگستری و امنیتی، آن قرار دارند، از آزادی سخن گفت؟ آیا وجود این چنایتکاران خود قاطع ترین برهان نبود آزادی نیست؟

مردم ایران هنوز خاطره تلغی چند سال پیش را که لاچوردی در مقام «دادستان تهران» به کشتار و شکنجه فرزندان دلیر خلق در اوین مشغول بود، فراموش نکرده اند. این دوره بی‌شک از سیاه ترین و چنایت پارترین همان بی‌یاد دارند زمانی که لاچوردی به اجبار کنار گذاشت شد، هنگام تحويل زندان به چانشین خویش، تعداد زیادی زندانی «کم» اورده بود. اکنون زندان‌های سراسر کشور در اختیار این عنصر بیمار قرار گرفته است. زندانیان سیاسی تازه و باقیمانده پس از قتل عام سال گذشته، که پیش از این هم در زمان مستولیت شوشتری، و زیر کنونی دادگستری، با اثواح فشارها و تضییقات روپرور بودند، بی‌تردید در اینده با شرایط دهشتناک تری روپرور خواهند شد.

بخصوص اگر به این واقعیت توجه کنیم که او یکبار، از جمله در سیاه مبارزه و افسکارگری خانوارهای زندانیان سیاسی کنار گذاشته شد، آنگاه می‌توان دریافت که وی با چه کننه و قساوتی به سراغ زندانیان بس دفاع خواهد رفت.

از سوی دیگر، انتخاب محسن رفیق دوست به سمت «ریاست بنیاد مستضعفان» و «جانبازان» از سوی رهبر بسیار پر معنایست. رفیق دوست، سال پیش در جریان برونس مجدد صلاحیت وزیران کابینه موسوی از سوی مجلس، رای اعتماد نکرفت. علت این امر سوء استفاده های کلان و غیرقابل انکاری بود که هنگام تصدی پست وزارت از سوی وی در سطح سیاه پاسداران صورت گرفت بود. هادی غفاری، پیرامون این سوء استفاده ها از جمله گفت:

«... مطلب دیگر خریدهای گران است که یا از سر ناگاهی و یا با یک برنامه از پیش طراحی شده انجام می‌گیرد... از فروشنده

اوین مشغول بود، نشان دهنده ابعاد واقعی «ازادی» در سطوح گوناگون رژیم جمهوری اسلامی کمتر کسی از نظر بدنامی با لاچوردی مواجه نمی‌شود. بکارگیری مجدد وی، که به موقع خود زیر فشار افکار عمومی کنار گذاشت شده بود، نشان دهنده ابعاد واقعی «ازادی» دروغینی است که سران جمهوری اسلامی این روزها از آن سخن می‌دانند. هکثره می‌توان در کشوری که افرادی چون بیزدی ری شهری، لاچوردی، شوشتری، فلاجیان... در راس ارگان‌های قضایی، دادگستری و امنیتی، آن قرار دارند، از آزادی سخن گفت؟ آیا وجود این چنایتکاران خود قاطع ترین برهان نبود آزادی نیست؟

پیش را که لاچوردی در مقام «دادستان تهران» به کشتار و شکنجه فرزندان دلیر خلق در اوین مشغول بود، فراموش نکرده اند. این دوره بی‌شک از تاریخ معاصر کشورمان است. سال‌های پیش از این سیاه ترین و چنایت پارترین همان بی‌یاد دارند زمانی که لاچوردی به اجبار کنار گذاشت شد، هنگام تحويل زندان به چانشین خویش، تعداد زیادی زندانی «کم» اورده بود. اکنون زندان‌های سراسر کشور در اختیار این عنصر بیمار قرار گرفته است. زندانیان سیاسی تازه و باقیمانده پس از قتل عام سال گذشته، که پیش از این هم در زمان مستولیت شوشتری، و زیر کنونی دادگستری، با اثواح فشارها و تضییقات روپرور بودند، بی‌تردید در اینده با شرایط دهشتناک تری روپرور خواهند شد.

بخصوص اگر به این واقعیت توجه کنیم که او یکبار، از جمله در سیاه مبارزه و افسکارگری خانوارهای زندانیان سیاسی کنار گذاشته شد، آنگاه می‌توان دریافت که وی با چه کننه و قساوتی به سراغ زندانیان بس دفاع خواهد رفت.

از سوی دیگر، انتخاب محسن رفیق دوست به سمت «ریاست بنیاد مستضعفان» و «جانبازان» از سوی رهبر بسیار پر معنایست. رفیق دوست، سال پیش در جریان برونس مجدد صلاحیت وزیران کابینه موسوی از سوی مجلس، رای اعتماد نکرفت. علت این امر سوء استفاده های کلان و غیرقابل انکاری بود که هنگام تصدی پست وزارت از سوی وی در سطح سیاه پاسداران صورت گرفت بود. هادی غفاری، پیرامون این سوء استفاده ها از جمله گفت:

«... مطلب دیگر خریدهای گران است که یا از سر ناگاهی و یا با یک برنامه از پیش طراحی شده انجام می‌گیرد... از فروشنده

ما و نهضت آزادی

آنها را ناصحیح می دانیم نیز
هست.

به نظر ما برای مثال،
آنچه که نهضت آزادی نشمنی
توان گفت چنین پرخوردی،
برنامه های مارکسیسم اعلام
می دارد اشتباہ می کند. البته
نهضت آزادی قاعده باید
مخالک مردم، یعنی ایدئولوژی
ما باشد. اما، نشمنی با برنامه
همانگی چندان تدارد. من
توان دلایل دیگری هم ارائه
داده است. همه این ادله و براهین
قابل بحث است. اما، هیچ یک
آنها نباید و نباید مانع
از اتحاد نیروهای سیاسی
طرشان آزادی و حلخ در چیزی
واحد گردید.

باشد؟

به نظر ما، رهبران
نهضت آزادی خوب می دانند که
در رژیمهای دیکتاتوری برای
سرکوب هر نیرویی به بر
چسب "توطنه" متولی متوسل می
شوند. رهبران نهضت آزادی
مقابله با کدام "توطنه" های
کمونیستی را قانونی می
دانند؟ مگر خود نهضت آزادی و
شخص مهندس بازرگان که
مسلمان ناب است از جانب
سران دژم ج. ا. به سر
همبندی توطنه ائم به حکم
امپریالیسم علیه جمهوری
اسلامی متمم نمی شوند؟

انتقاد از برخی مسائل
طرح شده در بیانیه و یا
اعلامیه به هیچ وجه نباید به
معنای کارشکنی تلقی گردد.
کما اینکه ما نیز حمله به حزب
توده ایران و ایدئولوژی آن را
از جانب نهضت آزادی فقط به
منابه نکم بندایی تلقی می
کنیم. اگر واقعاً هم چنین باشد،
مایه ایدواری است.

نشانده عربستان می کوشد
دیگر گروههایی های ضد
انقلابی، از جمله گروه های
وابسته به جمهوری اسلامی
را تطهیر کند. مطابق
تصویری که روزنامه "رسالت"
ارائه می دهد، گروه های
 ضدانقلاب افغانی، به گروه
های "مجاهد" و "مبازه" و
"عوامل وابسته به عربستان"
تقسیم می شوند! اما واقعیت
جز این است. زیرا
گروههایی هایی نیز که از
سوی جمهوری اسلامی حمایت
می شوند. در جنایت و
ارتكاب انواع اعمال غیر
انسانی نست کمی از دیگر
همپالگی هایشان ندارند. این
حقیقت را دیگر ممکن
دریافتند.

رهبران گروه های ضد
انقلاب افغانی که سالان
میلیاردها دلار از
امپریالیست ها، عربستان
ادامه در من

درست به معین دلیل آنها هم
مجاهدین و هم نیروهای چه را
موره حمله قرار داده اند. من
توان گفت چنین پرخوردی،
برنامه های مارکسیسم اعلام
می دارد اشتباہ می کند. البته
نهضت آزادی قاعده باید
مخالک مردم، یعنی ایدئولوژی
تیست و با فرهنگ ما ایرانیان
همانگی چندان تدارد. من
توان دلایل دیگری هم ارائه
داده است. همه این ادله و براهین
قابل بحث است. اما، هیچ یک
آنها نباید و نباید مانع
از اتحاد نیروهای سیاسی
طرشان آزادی و حلخ در چیزی
واحد گردید.

حزب ما، از موضع
مشخص مهندس بازرگان به
عنوان یک شخصیت مذهبی -
سیاسی تسبیت به حزب توده
ایران کاملاً آگاه است. ما تصویر
نهی کنیم همه رهبران نهضت
ما که حتی در زمان دولت دی
غیر قانونی بود، چگونه می
توانست چوب لای چرخ دولت
مقدری بگذارد؟ اگر آقای
بازرگان به خاطر داشته باشد
پس از تشکیل کابینه، حزب ما
علی اعلامیه ای صریحاً اعلام
داشته که از کلیه اقدامات دولت
موقت در جهت نفع از منافع
توده های محروم حمایت
خواهد کرد. البته به این وعده
نیز عمل کردیم. اما، اینهم
روشن است که وقتی دولت
موقت مبارزه علیه حزب توده

یکی از خوانندگان در
نامه ای از ما می پرسد: "ایا
حزب حاضر به همکاری با
نهضت آزادی ایران به رهبری
مهندسان بازدگان هم هست که
یکی از مخالفان سروسط
کمونیسم و بیویه حزب توده
ایران است؟". درست ما،
درنامه خود، از جمله از بیانیه
نهضت آزادی که در بیانه ۱۳۶۷
به مناسبت کشثار جمعی
زندانیان سیاسی انتشار
یافته نقل قولی می اورد: "...
عدم تائید و همسوئی و
معارضه و مخالفت همیشگی ما
با مردم و برنامه های
مارکسیسم و نشمنی و
کارشکنی بنیادی که حزب توده
و گروههای چه، با نهضت
آزادی ایران داشته اند بر
همکاری روشن بود و بدینه
است که این نوشته در انتقاد
از حاکمیت در مقابله قانونی
با توطنه های کمونیستی نمی
باشد."

خواننده "نامه مردم" پس
از نقل قول می نویسد: من
تصور نمی کنم که بتوان با این
سازمان زبان مشترک پیدا
کرد.

در این باره چه باید
گفت؟ اگر نقل قول یادشده را
بطور مجرد در نظرم گرفتیم
تفسیر دیگری می پایست از
آن می کردیم. اما، اولاً باید
ترجمه کرد، نهضت آزادی! این
سطور را در اعلامیه و یا
بیانیه ای علیه کشثار جمعی
همان زندانیان سیاسی چندین
نوشته که مخالف ایدئولوژی
آنهاست. ثانیاً به نظر می رسد
نویسندهان اعلامیه من
خواسته اند به نحوی از خشم
خمینی نسبت بخود بگاهند.

چندی پیش، مختار
کلانتری، "جانشین فرمانده کل
کمیت" های انقلاب اسلامی،
ملی مصاحبه ای گفت که برخی
از احزاب سیاسی مخالف دولت
افغانستان در قاچاق مواد مخدور
در سطح منطقه - و از جمله
ایران - نقش مهمی بر عهده
دارند. البته این گفت مهمی
نیوود. "نامه مردم" و پیسایاری از
نشریات دیگر پیش از آن بارها
به این امر اشاره کرده بودند.
سخنان وی از آن جهت اهمیت
داشت که برای اولین بار یک
مقام رسمی جمهوری اسلامی به
این واقعیت اعتراف می کرد.
اکنون خبر می رسد که

باسطلاح مجاهدین حزب عرامی
سرگرم فروش و "مدور" زنان
و دختران هموطن خویش به
عربستان سعودی نیز هستند.
این خبر را خبرگزاری رسمی
جمهوری اسلامی به نقل از حزب
عوامی ملی پاکستان منتشر
کرده است.
طبق خبر مذکور "مسئل

هر دم از این باغ برقی من رسد

"مجاهدین" افغانی ۷۸- نفر از زنان هموطن خود را فروختند

گفته می شود گروه های افغانی
طرزدار عربستان سعودی و از
اقدام به فروش زنان و دختران
منافق فتح شده به عربستان
می کنند (همانجا).

روشن است که روزنامه
"رسالت" با اندیختن مستولیت
این عمل غیر انسانی به دوش
گروه های ضد انقلاب نست

تا به اسم جهاد افغانستان
چنین عمل صورت گیرد:
روزنامه "رسالت" پس از
نقل این خبر می نویسد: "...
در این کشور خواسته است تا
افغانی به عربستان سعودی
تحقیق کند" (رسالت ۲۹/۵/۱۹).

در این گزارش به اسم گروه
مشخصی از مجاهدان افغان
که احتمال مستول این اقدام
بوده، اشاره ای نشده است. اما

است: "این زنان در داخل خال
افغانستان به فروش رسیده و از
طريق فروگاه هموطن خویش به
عربستان سعودی نیز هستند.
این خبر را خبرگزاری رسمی
جمهوری اسلامی به نقل از حزب
عوامی ملی پاکستان منتشر
کرده است.

طبق خبر مذکور "مسئل

قانونیت ...

رئيس جمهور از خود مستثنا

روبرو نخواهد شد. بنابراین این جای همچ شکلش نیست که وی در پایان سفرخانی اش در مراسم معرفی وزیر ایگانه به مجلس هنین سخنانی را بر زبان براند:

بعضی از آقایان در بحث هایشان خواهند گفت: این کابینه به اندازه کافی سیاسی نیست. شما هر چه بخواهید من خودم سیاسی هستم، از آن اولی که سیاست و مبارزه در مملکت پیش آمد، ما بودیم و تا آخر هم هستیم ... در کابینه فقط همین ارزش سیاسی من اگر بتواند کاری بکند مطرح است، والا شخصی ها را آقایان دارند و اجرا می کنند و به اندازه کافی کابینه با حضور من سیاسی است... (اطلاعات ۱۸ - شهریور ۱۳۶۸)

در جمهوری اسلامی کم نیستند دولتمردان و مستولان ریز و درشت و نمایندگان مجلس که عادت کرده اند بزرگترها بجایشان بیندیشند و تصمیم بگیرند، بخصوص وقتی که پای مصالح کشور و "اسلام" در میان باشد. هنگامی که خیانت زنده بود بر سر اینکه بگویند تنها "امام" حق نکر کردن و مصالح اندیشی دارد چه افراد ها که نکرند.

این است که وقتی رئیس جمهور جدید با خودپسندی خاصی باد به غیب بیندازد و خود را تنها شخصیت سیاسی و "مباز" کابینه جدید و وزیران را کابینه کار بنامد به نظر من رسید مطمئن است که حتی از جانب وزرای پر از اینکه معینی پا را فراتر گذارند. در این پاره کافی است به جار و جنجالی که اخیرا بر مربوطه با همی وکلتش

ناطق نوری وزیر اسبق کشور هفت سال پیش از این وعده داد که "بزوی با ایلاع این نامه اجرای قانون فعالیت احزاب و گروه های سیاسی نمایندگان احزاب و گروه ها می توانند با ارائه استناد و مدارک لازم پروانه فعالیت قانونی کسب کنند" (اطلاعات ۱۱/۲/۱۲). حال پس از گذشت این همه مدت و انتواع وعده و وعید مانند این سه گروه و آن هم گروه هایی چون "نهضت زنان" و "جامعه روحانیون مبارز" پروانه فعالیت دریافت کرده اند!

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ظاهرا آزادی مطبوعات، قلم و بیان به رسمیت شناخته شده است. لیکن نه تنها روزنامه به این نشریات مترقب و انتقلابی تعطیل شده اند، بلکه حتی مطبوعات مجاز نیز حق ندادارند از دایره معینی پا را فراتر نگذارند. در این پاره کافی است سر درج مقاله ای با عنوان "نکته" به پا شد، اشاره کنیم.

در قانون اساسی و قوانین جزایی ج.ا. حقوقی چون تهییم اتهام و برخورداری از دادگاه، وکیل مدافع و ... برای متهمان پیش بینی شده است. اما ارگان های اطلاعاتی و قضایی رژیم خرسانه افراد را پاک داشت و کاه سال ها به حالت بلا تکلیف در سیاهچال ها نگه داری می کنند. بدتر از آن هرگاه اراده کردند، در مقابل جوخد های اعدام قرار داشتند. چندی پیش مردم ایران ساکن کشتن زندانیان سیاسی را برگزار کردند. آیا بهتر نبود که رئیس قوه قضائیه به جای سخن پردازی قرار است:

... اگر انگلستان خواهان تجدید رابطه با ایران است، او را باید نسبت به انتشار کتاب آیات شیطانی از مسلمانان عذرخواهی کند. ثانیا سلمان رشدی را تحویل عدالت الهی و اسلامی دهد و یا حداقل آنکه از وی رفع حفاظت و امنیت کرده تا فرزندان دلیر اسلام و امام خمینی به تکلیف شرعی خود عمل کرده و وی را به جزای عمل ننگین و نفرت اور خود پرسانند.

واه دیگر آن است که خود عوامل امنیتی و اطلاعاتی دولت انگلیس سمت به کار شده و سلمان رشدی را به جهنم بفرستند تا این مانع نفوذ نپذیر از سر راه رابطه با ایران برداشته شود. انگاه است که وزارت خارجه ایکلستان می تواند نسبت به تجدید رابطه با جمهوری اسلامی کمی امیدوار باشد.

در مطبوعات مجاز

اعلام خطر

یک راه حل

دیپلماتیک

قریش، نماینده خمین، خطاب به کابینه جدید گفت: "به شما اعلام خطر می کنم، چنانچه در شکستن قیمتها که خود سلطانی جدید است ... مبارزه نکنید و قیمت اجناس را به صورت متعادل و ارزان در تیاره دید و جامعه را از قیمت سه ترخی آزاد، نیمه آزاد، و دولتی نجات ندهید، همه مردم ایران در اثر عدم مدیریت شما به نامیدی کشانده می شوند و یا سان و نامیدی بزرگترین خطر برای کشور است".

"مردم در مراسم انتخابات پیش خودی گفتند این رای برای خدا است، ولی آیا با این رای و وزراء ما دا از گرانی خانمانسوز نجات من دهند؟" ملت مسلمان ایران از امام، انقلاب، دین و خدا پرستی راضی هستند... لیکن تحمل اجناس گران که جامعه ایران را از پای در می آورد بسیار خطرناک و کشته است و لذا وزیر ایگانه بیندیشند که کارمند بیهاره با حقوق کم و عائله زیاده باید بکند...

"آنها و پیشوایان بینی ما من فرمایند فقر انسان را به کفر می کشانند. اگر در فقر و بیکاری و گرانی اجناس به داد مردم ترسیم دران صورت باید انتظار هر فسادی را در جامعه داشته باشیم..." (اطلاعات ۲-۲ شهریور ۱۳۶۸)

بیان چنین سخنانی، به اصطلاح "اعتماد" سرمایه گذاران داخلی و خارجی را جلب کند و به آنان اطمینان دهد که می توانند فارغ از هر دغدغه ایدر عرصه های مختلف سرمایه گذاری کنند. اما صرف نظر از این کوت تلاش ها، من دهد که در چهارچوب رژیم پوشیده ولایت فقیه سخن از قانون گفتن آب در هاون سائیدن است.

در اینجا ما بر آن نیستیم تا درباره درستی یا نادرستی قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی سخن گوییم. بلکه من خواهیم تنها به این واقعیت اشاره کنیم که اولاً نشریات مترقب و انتقلابی تعطیل شده اند، بلکه حتی مطبوعات مجاز نیز حق ندادارند از دایره معینی پا را فراتر گذارند. در این پاره کافی است به جار و جنجالی که اخیرا بر رسانده اند، کمترین ارزش قائل نیستند.

سنگ پایه قانونیت در هر کشور، تفکیک قوا و مستول بودن هر مقام و ارگان صرف نظر از رده و موقعیت آن است. در رژیم جمهوری اسلامی "ولی فقیه" نه تنها در توافق قرار دارد، بلکه من در عمل نیز مداخله می کند و از قوای سه کانه دخالت کند و در عمل نیز مداخله می کند. مثلا در قانون اساسی جمهوری اسلامی، که ده سال پیش به تصویب رسید، نام ارگان قانون گذاری کشور، "مجلس شورای ملی" تبدیل شده بود. اما خمینی خویسرا نه آن نام را به "مجلس شورای اسلامی" تغییر داد و تازه پس از ده سال در چریان بازنگری قانون اساسی، ستور داد که این نام غیر قانونی در متن قانون اساسی وارد شود. و یا در چریان بررسی ملاجیت وزیران پیشنهادی هاشمی رفسنجانی روشن شد که خامنه ای با ارسال پیام به نماینده کان مجلس از آنان خواسته است که بدون بحث و بررسی به ولایت رای اعتماد دهند. بهانه وی ظاهرا مذاکرات میان ایران و عراق و لزوم برخورداری از موضوع قوی در مذاکرات بوده است! ولی آیا این عمل مداخله اشکار در کار قوه مقننه نیست؟

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، که اصلاحات آن اخیرا به تصویب آنایان رسید، حق فعالیت آزاد برای همه احزاب سیاسی پیش بینی شده است. حال می توان پرسید: در ایران کدام احزاب سیاسی فعالیت آزاد دارند؟

دریافت اجازه فعالیت قانونی

حزب پیشاپنگ سوسیالیستی الجزایر، آن و وزارت داخله این کشور اجازه رسمی فعالیت علني دریافت کرد. این حزب در ۵ آذریه ۱۹۶۶ توسط اعضای حزب کمونیست (که از سال ۱۹۶۲ غیر قانونی اعلام شده بود) و دیگر نیروهای مارکسیستی پایه گذاری شد. یکی دیگر از احزاب سیاسی الجزایر که اخیراً اعلام موجودیت کرده و پرونده فعالیت قانونی دریافت داشته حزب سوسیال دمکرات است که نکنگره موسسان خود را از وزادهم تا سیزدهم اکتبر برگزار خواهد کرد. بجز این دو حزب چهار سازمان سیاسی دیگر نیز درخواست فعالیت قانونی کرده اند. این احزاب نشریات ارگان خود را نیز منتشر خواهند ساخت.

کمک مالی به حزب

سام - کالیفرنیا	۵ دلار
یزدان	۱۰۰ مارک
از لندن به یاد رفیق	۵ پوند
دکتر سیف الله غیاثوند	۵ پوند
وحید - کالیفرنیا	۵ دلار

هر دم از این ...

سعودی، جمهوری اسلامی و ... پول می کنند، تنها به این درآمد بسته نمی کنند. انان با وادر کردن صدھا افغانی گرسنه و بی چیز به تلاچ مواد مخد، دزدی، خرید و فروش زنان و ... سودهای کلانی به جیب می زندند. طی ماه های اخیر که از تو در ایران چار و چنجال میارزه با مواد مخدور بپاشد، کمتر گروهی از اعدام شدگان را می توان یافته که در میان آن ها یک یا چند نفر افغان وجود نداشته باشد. این افغانها، همانند اعدام شدگان ایرانی، عموماً افرادی هستند که از روی فقر، بیکاری و تندگستی پای در این راه گذاشده اند. اینکنگه افراد اعدام می شوند، ولی عوامل اصلی فساد یعنی رهبران گروه های هد اقلاب ازادانه به کار و فعالیت خرب خود ادامه می دهند.

از گزارش میخانیل گارباچف

به پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی
پیرامون کارپایه سیاست ملی حزب در شرایط امروزین

یونانی ها، کره ای ها و کرد ها از تو رعایت شود.

در گزارش جای مهمی به دفاع از حقوق و آزادی های هر انسان، هر شهروند و هر فرد، به مثابه یکی از مهترین شرایط برای تکامل تبدن معابر اختصاص داده شده است. میخانیل گارباچف گفت نه تنها اتحاد شوروی بطور کلی، بلکه هر یک از جمهوری ها هم باید مقاوله نامه های بین المللی در این زمینه را که از سوی اتحاد شوروی اضطر شده است، رعایت کنند.

میخانیل گارباچف یادآور شد که در قوانین شوروی، برای دامن زدن به دشمنی ملی مجازات در نظر گرفته شده است و تهادهای مدافع قانون باید بدون تقدیم و شرط اجرای این قوانین را تضمین کنند. در این بخش از گزارش خود گارباچف به وضع موجود در ارمنستان و آذربایجان در مورد قره باغ (ناگورنی کارباچاخ) اشاره کرد و گفت درگیری در آنجا خیلی به درازا کشیده و بین نهایت بفریغ شده است. تلاش برای حل سیاسی آن تا کنون به ترتیب بلخواره ترسیده و ما در برای وضع قرار گرفته ایم که چاره ای جز اتخاذ تدابیر قاطع وجود ندارد. ما نمی توانیم اجازه بدهیم هرج و مرج و بدتر از آن خونریزی حاکم گردد. ما موظفیم همه کارهای لازم را انجام دهیم تا شرایط عادی برای زندگی مردم ایجاد شود و آنرا در مورد آینده خود اطمینان حاصل کنند.

میخانیل گارباچف هنگام بحث درباره نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی در شرایط بازسازی فدراسیون شوروی، قاطعه ای که در این میلت ها گردید که این حزب کمونیست اتحاد شوروی موضوع گیری کرد و خاطر نشان ساخت که این به معنای پایان گذاشت بر موجودیت حزب به آن سورش است که لذین پایه گذاری کرده است و می تواند زیان ایجاد کنند. یکی از مهترین تنازعات انتقال اکتبر ۱۹۱۷ و به دنبال آن دکرگونی های سوسیالیستی این بود که خلق های روسیه ساختار های ملی و دولتی گوناگونی یافتدند.

میخانیل گارباچف در پایان گزارش خود گفت: دکرگون سازی حزب کمونیست اتحاد شوروی که گذشته در مورد برخی ملیت ها، مرحله مهمی از آن خواهد بود، امکان خواهد داد و ظایف بسیار نهایت پایمال شده امانت های شوروی، تاتارهای کریمه، ترک های مسختی، بالکارک ها، کاراچایف ها - چچن ها، اینکوش ها،

در روزهای نوزدهم و بیستم سپتامبر ۱۹۱۹ پلنوم نوبتی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. پرسن مسائل زیر در مستور کار پلنوم بود:

۱- تدارک نعمت کنگره بیست و هشتم حزب کمونیست اتحاد شوروی،
۲- سیاست ملی حزب در شرایط امروزین.

پیرامون مسئله اول پلنوم اظهارات میخانیل گارباچف را شنید و قرار لازم را صادر کرد. گذشته بیست و هشتم حزب کمونیست اتحاد شوروی در نیمه برم اکتبر سال ۱۹۱۹ برگزار خواهد شد. درباره دوین ماده مستور روز، میخانیل گارباچف گزارشی به پلنوم ارائه کرد. نامه مردم گوشه هائی از این گزارش را به آگاهی خواهندگان خود من رساند.

میخانیل گارباچف نخست درباره لزوم انجام دکرگونی های ڈرف در مناسبات میان ملیت ها مصحت کرد. او گفت وضع امریکی در مناسبات میان ملیت ها چنان صفت بسیار بقرقش، به گونه ای دیگر نمی تواند توصیف شود. مسائل حل نشده یکی پس از دیگری روی گردد، خطاهای اعوجاج هائی که طی دهها سال سر زده است، خودنمایی می کند. درگیری های میان ملیت ها که سال ها آتش زیر خاکستر بود، شعله می کشد.

میخانیل گارباچف یادآور شد که تزاریل گارباچف در عرصه مناسبات میان ملیت ها برای حکومت شوروی میراث سنتگینی به جای گذاشته بود. خدمت بزرگ لذین این است که توانست استراتژی صحیح و مطلوبی را در زمینه سیاست ملی برای حزب تدوین کند. یکی از مهترین نتایج انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و به دنبال آن دکرگونی های سوسیالیستی این بود که خلق های روسیه ساختار های ملی و دولتی گوناگونی یافتدند.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با یادآوری اعمال غیر قانونی گذشته در مورد برخی ملیت ها، اعلام کرد که باید همه کارهای لازم را انجام داد تا حقوق پایمال شده امانت های شوروی، تاتارهای کریمه، ترک های مسختی، بالکارک ها، کاراچایف ها - چچن ها، اینکوش ها،

زنده باد آزادی و صلح، مرنگون باد رژیم "ولایت فقیه" !

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

No: 278
26 SEPTEMBER 1989

نامه

م رد